



۷ جنوری ۲۰۱۶



داکتر عبدالرحمن زمانی

قیام سال ۱۳۲۴ صافی های گنر

(قسمت یازدهم)

آغاز ناآرامی های گنر

ناآرامی های گنر با تصمیم خاندان حاکم مینی بر تطبیق جبری سیستم جدید مکلفیت عسکری در دره مزار گنر آغاز شد. مطابق این تصمیم برخلاف سیستم مکلفیت قبلی که به نام سیستم هشت نفری از دوران امیر عبدالرحمن خان رایج بود و در آن هر هشت نفر مرد یکنفر به خدمت عسکری فرستاده میشد، تمام مردانی که سن شان به ۲۲ سال میرسید، به خدمت عسکری جلب میشدند. اما این تنها نبود، حکومت در گنر خواست چهار دوره را به یکبارگی جلب و تمام افراد بین سنین ۲۲ تا ۲۷ سالگی را به عسکری سوق دهد. مردم گنر درین دوران تحت فشار های دیگری از جمله مالیات کمر شکن (سه کوه و چهلک)، حواله خریداری غله به نرخ ارزان و کار های بیگاری سرک سازی و غیر نیز قرار داشتند!

مالیه سه کوه . حاصلات غله را سه قسمت نموده و یک قسمت آن را بشکل مالیه بصورت جنسی اخذ میکردند. چون حاصلات غله باید در موجودیت مامورین حکومت وزن و یک سوم آن تعیین میشد، مالیه دهندگان باید تا رسیدن نوبت شان انتظار میکشیدند، و درین دوران به اثر بارندگی و خرابی هوا بعضا خرابی و تباهی تمام حاصلات و ازبین رفتن زحمت یک فصله و خوراک یکساله خانواده شان نیز اتفاق می افتاد. بعد از تعیین مقدار مالیه، دهاقین و زمینداران مکلف بودند زمینه انتقال غله و کاه مربوط آن را ذریعه مرکب و وسایل ترانسپورتی دیگر به یکی از دومرکز تحویلدهی مالیه جنسی در «اسمار» و «گنر پایان» رسانده باز هم منتظر نوبت شان باشند که این کار زمینه فساد اداری و رشوه خوری مامورین مالیه و گدامداران را فراهم ساخته بر مشکلات مردم می افزود.

مالیه چهل یک . مالیه مواشی و حیوانات به نام چیلک (چهل یک) یاد میشد. از جمله چهل راس گاو و بز و گوسفند یک راس آن باید به حکومت مالیه داده میشد.

خریداری غله به نرخ ارزان . فشار کمرشکن دیگر هم حواله خریداری غله بر مردم گنر بود. با وجودی که گنر یک منطقه کوهستانی و زمین های زراعتی ظرفیت اعاشه باشندگان خود گنر را نداشت، حکومت خاندانی، با حواله خریداری غله به نرخ ارزان، مردم را مجبور میساخت مقدار غله حواله شده را جمع آوری و به یکی از دو گدام دولتی برسانند. یکی ازین حواله های هاشم خان هم خریداری جبری سالانه چند خروار «جو» مورد ضرورت اسپ های غنند اسمار بود. چون به اثر خشکسالی متواتر مقدار «جو» که معمولاً از محصولات زمین های للمی بود، به شدت کاهش یافته بود، مردم بیچاره و بی بضاعت را مجبور میساخت گندم و جواری خوارکه خانواده هایشان را به «جو» که ارزش پولی کمتری داشت، عوض و به حکومت تحویل دهند.

1 . شاه محمود میاخیل «دکونر سیاسی، قومی او روحانی جوربنت او دودنو ارزبنت» ؛ عبدالمالک کونری ساپی «دکونر د ساپو جگره».

د پانوی شمیره: له 1 تر 6

افغان جرمن آنلاين په درنېنت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټينگه کړئ maqalat@afghan-german.de

یادونه: دلېکنې دلېکنيزې بنې پازوالي د لیکوال په غاړه ده ، هيله من يو خپله ليکنه له راليرلو مخکې په خیر و لولئ

بیگاری و کار های بدون مزد جبری . از جمله فشار های دیگری که به خستگی و درماندگی مردم می افزود، وادار ساختن مردم برای شرکت در تعمیر و نگهداری سرک ها و نصب پایه های تلفون بود.

طوریکه قبلاً ذکر شد، حکومت برای تطبیق پلان هایش در کُنر دست به آماده گی هائی زده بود. جنرال میر احمد مولایی در خاطرات خود از مرور و مطالعه این آماده گی ها یادآور شده چنین مینگارد :

« به چغه سرای رقتم، سید عباس حکمران چغه سرای، سر سرک انتظار مرا داشت. او را دیده و از وضع عمومی او را مستحضر و توصیه نمودم جداً مراقب او ضاع باشد. تکلیف نمود، شب باشم. گفتم غند اسمار انتظار دارند، در برگشت شاید یک شب پیش شما باشم .

به غند اسمار رفته ، دو شب ماندم، غند را از وضع مطلع و هدایت دادم جداً مراقب اوضاع باشد. شب به چغه سرای آمدم. شب مهمان خزانه دار بودم. سید عبدالرزاق پادشاه را نیز با خود آورده بودم. بعد از نان چون موتر خراب بود و کار نمیداد، به حکمران گفتم جاله تهیه کند. دوسه ساعت گذشت، جاله معلوم نشد. بیرون آمدم. حکمران با جاله وان ها قال و مقال دارد. جاله وان میگوید رون من نیست. جاله وان را خواسته گفتم چون من مهمان شما میباشم و رفتن ضرورت دارم، باید بروید. گفت قطعاً نمیروم. به پولیس امر دادم بروید مشک و سامان او را بیاورید. جاله وان بنای فرار را گذاشت. او را با تفنگچه تهدید نمودم، فوراً جاله را تهیه کرد. به حکمران صاحب گفتم شما نمی توانید به کُنر ها کار کنید. ذریعه جاله به کُنر خاص رقتم. حاکم کُنر خاص با کندکمشر و یک جمعیت زیاد به گذرگاه انتظار میکشیدند. از جاله پایان شده یکصد افغانی به جاله وان داده او را رخصت کردم. چون پول را دید ممنون و خوش شد.

در چونی عسکری رفته، کندک را دیده، به قرارگاه کندک، همه منصبداران را خواسته، هدایات لازمه را دادم. عبدالغنی خان وردک، حاکم کُنر خاص و از دوستان من بود... شب را در حکومتی رفته، موضوع را با حاکم و کندکمشر مذاکره [کردم]. حاکم گفت حکمران صاحب شخص بی خیر است، راستی مردم صافی و مهمند به دویا می باشند. شب گذشت . فردا نان چاشت را خورده به قشله عسکری رقتم. قشله را مفصل دیده، راجع به نگهبانی و باخبری هدایت داده و گفتم تانک ها را برای آب از جلال آباد می فرستم، باید بین قشله چاه حفر کنید. چاشت را ذریعه جاله به جای حاکم شیوه رسیدیم . ذریعه تلفون از جلال آباد و وزیر خبر گرفتیم . موتر را نیز درست کرده به شیوه آورده بودند. فردا حرکت کرده به جلال آباد رسیدیم . سر راست نایب الحکومگی رقتم . از وضع کُنر ها برایش گفتم . نایب الحکومه خندید و گفت صافی ها خیلی مسخره میباشند، البته با شما خیال شوخی را داشته اند. گفتم ببخشید، خود شما بروید از نزدیک مطالعه کنید و معلومات نمایندتا بی خبرانه به مسخرگی آنها گرفتار نشویم . چون من جدی شدم، گفت اطلاعات دارم، چیزی نیست، شما پریشان نشوید . گفتم تعجب میکنم، شما اطلاعات مخبر پانزده افغانیگی را نسبت به اطلاعات من ترجیح میدید! لطفاً با چشم های باز اطراف خود را ببینید . گفت خودم بزودی کُنر ها می روم و می خواهم بعضی تغییر و تبدیل در کُنر ها اجرا کنم . نان چاشت را به جلال آباد خورده، طرف وزیر رقتم . چون اوضاع خوب نبود، به آمادگی قطعات مصروف شدم و یک راپور مفصل از مشاهدات کُنر ها به وزارت حریبه و صدارت فرستادم . خود هر آن انفلاق و وضع ناگوار قوم را منتظر بودم»² .

رویدادی که به حکومت بهانه لشکرکشی داد

بعد از آنکه آماده گی های حکومت به پایان رسید در اواخر ماه جون تطبیق پلانهای هاشم خان آغاز شد. وقتی مامورین حکومتی برای گرفتن احصائیه و ثبت نفوس به دره مزار رسیدند، مردم (مادی خیل صافی) بالای آنها حمله نموده ، کتاب ها و سجل های آنها سوختانده ، آنها را لت و کوب نموده ، دو باره به ولسوالی رجعت دادند .

2 . خاطرات جنرال میراحمد خان مولائی، جلد دوم صفحات ۲۷۸ و ۲۷۹.

د پانو شمیره: له 2 تر 6

افغان جرمن آنلاین په درنیت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ maqalat@afghan-german.de

یادونه: دلیکنی دلیکنیزی بنی پازوالي د لیکوال په غاره ده ، هیله من یو خپله لیکنه له رالیولو مخکې په خیر و لولی

"جنرال میر احمد مولایی" که در این وقت به حیث قوماندان فرقه مشرقی ایفای وظیفه مینمود ، شروع جنگ را در گنر ها چنین به نگارش میکشد .

" ۹ برج سرطان ۱۳۲۴ ساعت ۲۳ تلفون نایب الحکومه از جلال آباد آمد که یک مرتبه جلال آباد بیاید . گفتم آب دریای فتح آباد زیاد است ، شما یک موتر لب دریا بفرستید ، با آن هم من حرکت میکنم . ذریعه تلفون به عبدالروف خان غند مشر ۲۳ امر دادم چهار کندک آماده ی حرکت و تیاری باشند . به لب دریا رسیدم . به کمک دریور و یک نفر عسکر دریشی ام را کشیده ، از آب عبور کردم . موتر لاری لب دریا ، توسط سر مامور آورده شده بود . ذریعه موتر مذکور طرف جلال آباد حرکت کردم . سر راست به باغ شاهی رفتم . نایب الحکومه با رنگ باخته نشسته بود . چون مرا دید استقبال کرد . گفتم چی خبر است ؟ گفت مشاهدات شما همه درست بود . گفتم باز هم به مخبر های پانزده افغانیگی اعتماد کنید . گفت امروز چهار نفر پولیس به دره مزار عقب گدام حواله رفته ، یک تعداد نفر صافی به طور لشکر ، بر چهار نفر پولیس حمله و خلع سلاح نموده اند . دست های شانرا بسته به طرف شیوه سر داده اند و قراریکه پولیس ها گفته ، لشکر می خواهد دو تقسیم شده ، یک حصه به پل درونته ، پل را اشغال و یا تخریب نمایند ، یک حصه بزرگ شان از راه شیوه به جلال آباد حمله میکنند . پرسیدم لشکر به کجا رسیده ؟ گفت نظر به معلومات و اطلاع حاکم ، لشکر به زیری بابا که یک زیارت ابتدای سورگل میباشد جمع شده .

پرسیدم به کابل اطلاع داده اید ؟ گفت : نی . گفتم : چرا ؟ گفت : ترسیدم والا حضرت قهر کنند . گفتم همه کار های شما جنبه ی احتیاط دارد ! فوری برای کندکمشر توچی ، عبدالطیف خان ، که به قشله ی عسکری بود تلفون دادم دو تولی فوری آماده ی حرکت باشد و به سر مامور امر دادم که موتر فوری از بازار تهیه و به قشله بفرستد .

بعد به حضور سردار صاحب تلفون دادم . گفتند به حضور اعلیحضرت به ارگ است . خلاصه به حضور اعلیحضرت زنگ زدند ، سردار محمد هاشم صدراعظم ، گوشک را برداشت . گفت خیریت است ؟ عرض کردم سردار صاحب را کار دارم . ایشان گوشی را گرفتند . قضیه را گفتم . موضوع را به حضور اعلیحضرت و صدراعظم گفتند . بعد از سه دقیقه برایم گفت : خواهش میکنم کوشش کنید اشرار به شیوه محدود شود. فردا قوه می رسد . به ایشان اطمینان و هم اطلاع دادم که خودم فوراً به طرف شیوه حرکت میکنم . قطعات ما هم آماده حرکت است ، شما مطمئن باشید .

فوری به وزیری تلفون و امر دادم . غند مشر گفت کندک ها آماده حرکت است ، یک روزه نان پخته را گرفته اند . امر دادم فوری حرکت کنند . من سر رشته موتر را میکنم و به پیش رویشان می فرستم ، به هر جا به موتر ها رسیدند ، سوار شوند ، خود شما اداره ی قشله را به درستی بکنید و بیدار باشید .

حال ساعت « ۳ » است بعد از آن از عبدالغنی خان که حال حاکم شیوه مقرر شده ، پرسیدم چی خبر است ؟ وقتی که صدای مرا شنید گفت از کجا حرف میزنید ؟ گفتم از جلال آباد . بسیار خوش شد و گفت لشکر به زیر بابا [زیارت زیری بابا] جمع شده ، لیک تا حال حرکت نکرده ، منتظر لشکر دیوگل هستند . گفتم مطمئن باشید ، ساعت ۸ نزدت می رسم . بعد از آن با نایب الحکومه به مشوره پرداختم . نایب الحکومه فرمودند این قوم بد بخت باید سخت سر کوب شود .

خندیدم و گفتم : خدا کند که ما و شما را سرکوب نکنند . به حاکم شیوه گفتم مصارف یک غند را از حیث گوسفند و نان و چوب تهیه نمایید . به سر مامور امر دادم هر قدر موتر که به جلال آباد است ، حتی موتر های بوره را تخلیه و به دسترس عسکری بگذارید . وقتی که چهار موتر تهیه میشود به توسط یکنفر ضابط فرستاده شود . دو موتر چاونی رسیده ، تولی ها سوار شده ، امر دادم با دو نفر تولیمشر فعال به طرف درونته حرکت نمایند و در آنجا نقاط حاکم را اشغال و راه رفت و آمد را مسدود نمایید . اگر از اشرار اثری دیدید ، بصورت مدافعه ، نقاط حاکم و پل را حفظ نمایید . فوری امر دادم به پل تلفون نصب کردند . ساعت ۳:۴۰ رسیدن تولی را به پل درونته اطمینان دادند . از عقب شان ذریعه موتر نان فرستاده شد . از طرف پل خاطر جمع شدم . بعد از ادای نماز ، انتظار کندک های وزیری را می کشم .

۵:۱۵ از فتح آباد اطلاع دادند یک کندک به لب دریا رسیده و چهار عراده موتر هم رسیده و آب هم کم شده ، موتر ها میتوانند از دریا عبور نمایند . امر نمودم یک کندک فوراً ذریعه موتر ها به طرف درونته حرکت کند . موتر ها تهیه شده

د پانو شمیره: له 3 تر 6

افغان جرمن آنلاین په درنیت تاسو همکارۍ ته رابولۍ. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ maqalat@afghan-german.de

یادونه: دلیکنی دلیکنیزی بنی پازوالی د لیکوال په غاره ده ، هیله من یو خپله لیکنه له رالیولو مخکې په خیر و لولی

میرود یک کندک دیگر را هم امر دادم به طرف درونته حرکت کند . ساعت ۶ از دریا عبور و به طرف درونته حرکت کرد . دو کندک را امر دادم به چونی جلال آباد برود . اول کندک محمد عمر خان صافی رسید ، یکی هم کندک مستقل دیدار علی خان . هر دو کندک به طرف درونته حرکت داده شد . الی ساعت ۸ به درونته رسیدند .

خودم به طرف درونته حرکت و به نایب الحکومه گفتم موتر ها زود به طرف فتح آباد فرستاده شود ، و دو کندک را به چونی جلال آباد برسانند . به وزیری تلفون دادم که دو کندک را فوری به چونی جلال آباد حرکت بدهند . بعد از شیوه پرسیدم . اشرار به شیوه نرسیده ولی نایب الحکومه بسیار پریشان است . او را تسلی داده گفتم شما متوجه کار ها باشید . ساعت ۶ اطلاع رسید که شش موتر عسکر از درونته به طرف شیوه گذشت . قدری خاطر جمع شدم . موتر من آمد . به طرف پُل حرکت کردم و به نایب الحکومه گفتم : متوجه سمت شنوار و خوگیانی باشید که از این طرف کدام انفلاق نکند .

در بین راه دیدم هشت موتر به طرف پُل حرکت می کند . ساعت ۷ به پُل رسیدم . عسکر ها نیز رسیدند . دو کندک با یکمقدار جبهه خانه و بستره خفیف به داخل موتر ۷:۳۰ به پُل رسیدند . فوراً عسکر ها را پیاده کرده از پُل عبور دادم و موتر ها نیز گذشت . دو موتر خالی نیز رسید . به ذریعه ده موتر دو کندک را با خود گرفته ، به طرف شیوه حرکت کردیم . ساعت ۹:۳۰ به شیوه رسیدیم عبدالغنی و مامورین و یک عده پولیس استقبال کردند .

امر کردم برای یک و نیم هزار نفر سر رشته نان را بکنید . فوری به قریه ها نان حواله کردند . ساعت ۱۰:۵۰ کندک ها رسید . قرار اطلاع اشرار هنوز به دره مزار بودند . ۱۲ اطلاع رسید که لشکر از دره مزار به طرف شیوه حرکت نکرده ، لیک به زیارت زیری بابا لشکری های شلوت [شلوتی] و دره مزار را خواسته اند . لشکر امر شب [؟] و شماس [شماش] هم با صافی ها ملحق شده ، لشکر دیوگل نیز در شرف آمدن است . شب را به شیوه گذشتانیدم .

روز ۱۰ سرطان ۱۳۲۴ ساعت ۶ صبح امر حرکت صادر کردم . قوا باید به اسلام پور برود . به اسلامپور رسیدیم . قلعه سید عباس آغا [سید عباس پاچا] را اشغال کردیم . عایله اش به داخل حرمسرای حرکت کرد . آبادی های خارج قلعه را به عسکر ها دادم . لوای اول فرقه اول هم به پُل رسیده عبور میکنند .

ساعت ۱۰ اطلاع رسید که لشکری از زیری بابا حرکت کرده و تعداد لشکر به دوازده هزار نفر تخمین می شود . فوری یک کندک را امر دادم ، ساعت ۱۵ بلندی های اطراف قلعه را اشغال کردند و از دور قوای اشرار دیده میشد که به طرف اسلامپور پیش می آمدند .

در این وقت یک بطریه توپچی هم نظر به امر قبلی که داده بودم رسید . بطریه ی مذکور ۷۵ ایتالوی بود . توپچی را به نزدیک قلعه داخل موضع کرده ، امر آتش دادم . دو گروپ آتش اجرا کردند . اشرار مجبور به ستر و اخفا شدند . ساعت ۱۷ دفعتاً بالای تپه به صورت ناگهانی بالای یک تولی فیر کردند . محاربه جاری شد . تولی مذکور را ذریعه دو تولی دیگر که به بلندی های پایان بود تقویه نمودم ، اما تولی مذکور مقاومت نتوانسته با چهار نفر مجروح به طرف قلعه آمدند . بلندی ها به دست اشرار افتاد . قوای ما به قریه جمع شدند . تا صبح یک فیر بود . به معیت من غلام حیدر خان توپچی و رئیس ارکان و ضابط استخبارات فرقه بودند . اما غلام حیدر خان کم دلی نشان می داد . لست تلفات و وضعیت را شفرآ اطلاع دادم و هم لوئی اول فرقه اول به شویه رسیدند . من شب ترتیبات گرفته ، شفق صبح به چهار گروپ تعرض کردم . تپه ها را از اشرار گرفته ، در این محاربه دو نفر از اشرار مقتول و سلیمی و دو نفر دیگر صافی ها زخمی شدند . سلیمی پادشاه صافی ها بود و به او بیعت کرده بودند . اشرار به طرف زیری بابا شکست کردند . قوماندان لوای اول ، عبدالودود خان لوامشر بود»³.

3 . جلد دوم خاطرات جنرال میراحمد خان مولائی، صفحات ۴۷۹ تا ۴۸۲ .

د پانو شمیره: له 4 تر 6

افغان جرمن آنالین په درنیت تاسو همکارۍ ته رابولۍ . په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ maqalat@afghan-german.de

یادونه: دلیکنی دلیکنیزی بنی پازوالی د لیکوال په غاره ده ، هیله من یو خپله لیکنه له رالیولو مخکی په خیر و لولی

در راپور استخباراتی انگلیس ها این رویداد چنین انعکاس یافته است :

WEEKLY SUMMARY No. 27, DATED PESHAWAR, THE 7TH JULY 1945

21. The following is a review of the chief developments during the week in the renewed attempt of the Afghan authorities to impose *Jadwal* recruitment on the tribes of the Eastern Province. The authorities appear to have decided to concentrate on the Safis for the present, and not to press their demands on other tribes :-

- (i) A recruiting officer and some minor officials who visited Safis near Shewa on 30th. June, and announced that they had come to list men liable to recruitment under the *Jadwal* system, were assaulted and captured by the tribesmen. They are believed to be still in custody.
- (ii) Troops of the Kabul Army Corps arrived in Jalalabad on 2nd. and 3rd. July. Part of them then moved to Shewa and are expected to push further up the line of the Kunar river. These troops have so far arrested 22 Safis and sent them back to Jalalabad. Preliminary reports put the strength of the force from Kabul at two lewas, a total of 5,600 men.
- (iii) *Firqa Mishar* Sardar Muhammad Daud Khan (W.W. 238), Commandar of the Kabul Army Corps, arrived in Jalalabad on 2nd. July and immediately announced Government demands on the Safis. They are :
 - (a) Acceptance of the *Jadwal* system of recruitment.
 - (b) Surrender of hostile leaders to be specified later.
 - (c) Compensation for the attack on officials on 30th. June.

three notable absentees, but of the Khugianis only *maliks* living close to Jalalabad had come in by 7th. July.

- (vii) The Safis have sent messengers to Mohmand, Shinwari and Khugiani country asking for help. An confirmed report states that some Safis living in the Shinkrai and Lakarai areas in Mohmand territory on the British side of the Durand Line have left in response to this appeal. The other tribes appear to be reluctant to give any open help to the Safis, but are believed to have sent them secret messages of encouragement, urging them not to accept the demand for *Jadwal* recruitment.
- (iv) Influential Saiyids from Islampur went into Safi country on 5th. July to negotiate for acceptance of these terms. They were said to have met with no success by 7th July.
- (v) The Safi reaction to the Government terms has been very hostile. Leaders in organising opposition are Sultan Muhammad Khan (W. W. 628), Mir Salam Khan, and Momin Khan. Gangs are forming in the valleys leading down to the Kunar river, but no large *lashkar* has yet collected, and the only incident reported so far has been ineffective night sniping of troops encamped at Shewa. Planes from Jalalabad reconnoitre Safi country daily and are said to have bombed gangs in the Mazar and Chowki Darras.
- (vi) *Firqa Mishar* Sardar Muhammad Daud Khan has made no fresh demands on other tribes, but on 5th. July he summoned Shinwari and Khugiani leaders to Jalalabad. The Shinwari response has been fairly satisfactory, though there are two or

د پانو شمیره: له 5 تر 6

افغان جرمن آنلاین په درنیت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ maqalat@afghan-german.de

یادونه: دلیکنې د لیکنیزې بڼې پازوالي د لیکوال په غاړه ده ، هیله من یو خپله لیکنه له رالیولو مخکې په خیر و لولئ

« در ذیل مرور عمده ترین انگشافتات این هفته در تلاش تازه مقامات افغان برای تحمیل جلب مکلفیت به اساس جدول (احصائیه) بر اقوام ولایت مشرقی میباید. بنظر میرسد اولیای امور تصمیم گرفته اند در حال حاضر بر صافی ها تمرکز نموده، اقوام دیگر را تحت فشار این تقاضا قرار ندهند.

- i. یکنفر مامور جلب و چند مامور پائین رتبه [پولیس] که بتاريخ ۳۰ جون به منطقه صافی ها در نزدیکی شیوه رفته و اعلام داشته بودند که برای جلب افراد واجد شرایط مطابق به سیستم احصائیه آمده اند، مورد حمله قرار گرفته و توسط افراد قومی اسیر شدند. تصور میشود آنها هنوز هم تحت اسارت قرار دارند.
- ii. نیرو های قوای مرکز کابل بتاريخ های دوم و سوم جولای به جلال آباد رسیدند. یک قسمتی از آنها به شیوه رفته و توقع می رود به امتداد دریای کُنر به پیش روند. این نیرو ها تاحال ۲۲ نفر صافی را دستگیر و به جلال آباد فرستاده اند. راپور های ابتدائی نیروی قوای ارسالی کابل را به ۲ لواء، جمعاً پنج هزار و ششصد (۵۶۰۰) نفر گزارش داده است.
- iii. فرقه مشر سردار محمد داؤد خان، قوماندان قوای مرکز کابل، بتاريخ دوم جولای به جلال آباد رسیده و فوراً تقاضای حکومت از صافی ها را اعلان کرده است. این ها عبارتند از:
 - a. قبولی سیستم مکلفیت به اساس احصائیه
 - b. تسلیمی آنده از رهبران مخالفی که بعداً مشخص خواهند شد.
 - c. جبران حمله مورخ ۳۰ جون بر مامورین.
- iv. سید های منتفذ بتاريخ پنجم جولای از اسلامپور به منطقه صافی ها رفتند تا در مورد قبولی این شرایط مذاکره کنند. گفته میشود آنها تا هفتم جولای کدام موفقیتی را بدست نیاورده اند.
- v. عکس العمل صافی ها بمقابل خواسته های حکومت بسیار خصم آمیز بوده است. رهبران تنظیم کننده مخالفت عبارتند از سلطان محمد خان، میرسلام خان و مؤمن [ماموند] خان. گروه های دره های منتج به دریای کُنر در حال شکل گرفتن بوده، اما کدام لشکر بزرگی تا هنوز جمع نشده است. تنها برخوردی که تا حال گزارش شده عبارت از تیراندازی بی تاثیر شبانه بر نیرو هائیسست که در شیوه خیمه زده اند. عملیات روزمره اکتشافی مناطق صافی توسط طیاره ها از جلال آباد ادامه داشته و گفته میشود که در دره های مزار و چوکی [دیوگل] گروه های مردم مورد حملات بمبی قرار گرفته اند.
- vi. فرقه مشر سردار محمد داؤد خان از اقوام دیگر تقاضای جدیدی ننموده، اما بتاريخ پنجم جولای رهبران شینواری و خوگیانی را به جلال آباد فراخوانده است. جواب شینواری ها در حالیکه غیرحاضری دو یا سه نفر آنها مشهود بود، تا اندازه قناعت بخش بود، اما از خوگیانی ها تنها ملکان نزدیک به جلال آباد بتاريخ هفتم جولای آمدند»⁴.

(ادامه دارد)

4. راپور شماره ۲۷، مؤرخ ۷ جولای ۱۹۴۵ استخبارات انگلیس

د پانو شمیره: له 6 تر 6

افغان جرمن آنلاین په درنیت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ maqalat@afghan-german.de

یادونه: دلیکنی د لیکنیزې بڼې پازوالي د لیکوال په غاړه ده، هیله من یو خپله لیکنه له رالیولو مخکې په خیر و لولئ